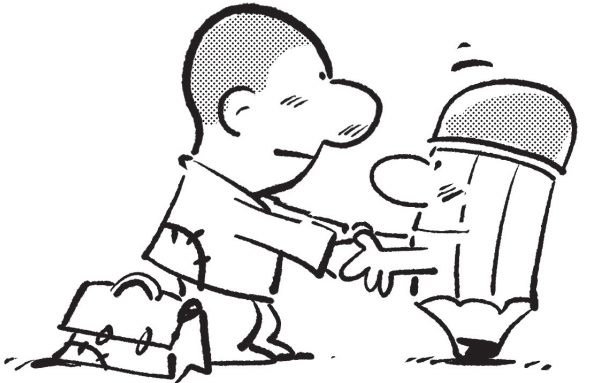
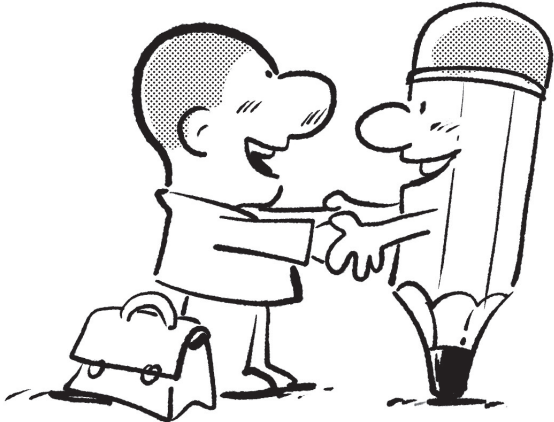




پنج میلیون دانش آموز توان خرید نوشت افزار ندارند



نگاه روزنامه نگار

نگاه یکسان به مردم ایران



محسن صالحی خواه

گزارشگر هم میهن

پس از ۷ اکتبر و آنچه در غزه آغاز شد، تقریباً روزی نیست که رسانه‌هایی مانند صدآوسیمما و خبرگزاری‌های خاص داخلی، با شور و حرارت، تجمعات مردم حامی فلسطین در کشورهای دیگر به خصوص جوامع غربی را پوشش خبری ندهند. مثلاً تظاهرات یاتجمعی که در کشورهایمانند آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان برگزار می‌شود. به غیر از آمریکا که همچنان حامی تمام‌قدرتیم اسرائیل است، لندن و پاریس گاهی موضوعی در انتقاد از تل‌آویو مطرح می‌کنند. اما این انتقادهای مربوط به ماه‌های اخیر است. آن‌ها سالیان طولانی حامی اسرائیل بوده و امروز هم هستند، فعالیت‌های طرفداران مردم فلسطین هم ادامه داشته و دارد. این تجمعات و ابراز نظرها گاهی به خشونت یا پلیس کشیده می‌شود و گاهی نیز مسالمت‌آمیز به پایان می‌رسد.

چرا این مثال اهمیت دارد؟ نکته مهم این است که فعالان طرفدار فلسطین در کشورهایی ابراز وجود و مخالفت با اسرائیل می‌کنند که سیاست اصولی دولت‌ها و حکومت‌هایشان حمایت از اسرائیل است. این موضوع در جوامع مذکور نهادینه شده هر چند خالی از چالش هم نیست.

اما در ایران ما، این گونه نیست. مثلاً پس از رخداد مهم ۷ اکتبر که مسیر منطقه خاورمیانه را تغییر داد، نمی‌شد از خطر این اقدام و در انتقاد از آن نظر صریحی را بیان کرد. در خصوص تجمعات نیز صرفاً آن‌هایی که از این اقدام به‌طور کامل تمجید می‌کردند، می‌توانستند ابراز نظر کنند. اما با گذر زمان و مشخص شدن ابعاد این رخداد، اندکی در فضای رسانه این امکان به وجود آمد که بتوان این واقعه را در بوته نقد قرار داد.

اما درباره ابراز نظر موافق و مخالف در تجمعات و تظاهرات خیابانی، چنین امکانی وجود ندارد. مثلاً هفته گذشته، جمعی از عناصر تندرو در مقابل ساختمان دبیر خانه شورای امنیت ملی تجمع و نظر خود را درباره سیاست‌های آژانس پس از توافق جدید تهران و این نهاد اعلام کردند. اما چنین امکانی هیچ وقت برای منتقدان روند برنامه هسته‌ای وجود نداشته است. همانطور که آن‌ها می‌توانستند نظر خود را درباره مسئله اجبار حجاب به خصوص از دولت مرحوم رئیسی تا دولت پزشکیان فریاد بزنند. مقابل مرکز ملی فضای مجازی بروند و هر چند کم تعداد، اما حمایت خودشان را از فیلترینگ تحمیلی بر مردم ابراز کنند. اما این فضا برای منتقدان و مخالفان این سیاست‌ها وجود ندارد. چه زمانی افرادی می‌توانند نظر خود را به این شکل درباره مخالفت با فیلترینگ و هزینه‌هایی که بر زندگی مردم تحمیل می‌کند، ابراز کنند؟ هیچ وقت.

مسئله این نیست که جریان افراطی در ایران مصونیتی آهنین دارند و می‌توانند از این حق مسلم بشر استفاده کنند. نوش جان آن‌ها باشد. نکته این است که چرا این تک‌صدایی دامن زده می‌شود و امکان ابراز نظر برای آن‌هایی که نظر متفاوتی دارند، وجود ندارد؟ گویا فقط آن‌هایی که بر برخی سیاست‌ها را تأیید می‌کنند یا خواستار تندتر شدن آن‌ها هستند، می‌توانند از این حق استفاده کنند.

مشکل هم از آنجایی شروع می‌شود که فکر می‌کنیم مردم ایران فقط همین‌ها هستند و باید آنچه با صدای بلند مطالبه می‌کنند اجرا شود. یا حتی به خاطر خواست و رعایت مطالبات آن‌ها، جلوی اینکه حق مردم مانند دسترسی آن‌ها به اینترنت آزاد به آن‌ها بازگردد، گرفته شود. مسعود پزشکیان یک سال است که دولت تشکیل داده و این یک سال با سرعت برق و باد گذشت. فشار این افراد و حامیانشان، چقدر در جلوگیری از زنده کردن این حق مردم تأثیرگذار بوده است؟ تجربه نشان می‌دهد که تأثیرش کم نیست. وقتی در یک تصویر بزرگ این وضعیت را تماشا می‌کنیم، شمای جالب توجهی از وضعیت تأثیر آن‌ها را به ما عرضه می‌کند. جالب توجه اینکه تریبون‌های خاص، همواره دوست دارند این نگاه را ذیل عنوان عمیق «مردم» و «ملت» تعریف و ارائه کنند. اما حقیقت اینکه وقتی از ملت ایران صحبت می‌کنیم، باید یک جامعه متکثر چنددهه میلیونی را در نظر بگیریم که این جماعت اقلیتی محض در میان آن‌ها هستند. جمعیت متکثری که در حال حاضر با بحران‌های مختلفی مثل ناترازی انرژی، فشارهای اجتماعی، وضعیت بفرنج اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند و نارضایتی زیادی دارند. در این شرایط حتی کوچکترین نرمشی اگر قرار باشد نشان داده شود که ذره‌ای از این نارضایتی انباشته را کم کند، آن‌ها وارد میدان می‌شوند. گاهی جلوی اقدام را می‌گیرند و گاهی تمام تلاش خود را بر سنگ اندازی در این مسیر به کار می‌برند. فقط هم در خیابان و تجمع‌های ایجابی نیستند. در قامت نماینده مجلس هم حاضر می‌شوند. به این فکر کنید که آن‌ها از ناراضی نگه داشتن مردم ایران چه سودی می‌برند؟ مردمی که سال‌هاست به زیست غرق در مشکلات روزافزون، خورفته‌اند. طبیعتاً تصمیم‌گیران نباید اجازه دهند بدیهی‌ترین حقوق مردم به مطالبات برآورده نشده و نارضایتی تبدیل شود.

امروز قطر را هدف قرار داد، کشوری میانجی که برای صلح تلاش می‌کند. «اردوغان با تأکید بر ضرورت اقدام عملی کشورهای عربی و اسلامی در واکنش به تجاوزات اسرائیل گفت: «سیاستمداران اسرائیلی، توهماتی درباره آنچه اسرائیل بزرگ می‌خوانند را تکرار می‌کنند. باید اسرائیل را تحت فشار اقتصادی قرار داد، تجارب گذشته، موفقیت این فشارها را ثابت کرده است. کوچاندن ملت فلسطین و نسل‌کشی و تجزیه سرزمینی را نمی‌پذیریم.»

▼ در خواست لغو عضویت اسرائیل در سازمان ملل

شهbaz شریف، نخست‌وزیر پاکستان با محکومیت اقدام اسرائیل و تأکید بر اینکه این تجاوز، بلندپروازی‌های تل‌آویو را آشکار می‌کند، اظهار داشت: «تجاوزگری وحشیانه اسرائیل به قطر، زیر پا گذاشتن صریح تمامی هنجارهای بین‌المللی و قوانین بشردوستانه است. پاکستان این عمل شنیع را به شدت محکوم می‌کند و آن را به مثابه نابودی همه تلاش‌های دیپلماتیک و ابتکارات صلح در خاورمیانه می‌داند.» او تأکید کرد: «پاکستان از دوستان و برادران خود در کشورهای عربی و اسلامی مطالبه می‌کند که گام مشترکی را برای تشکیل یک نیروی ویژه در راستای مقابله با طرح‌های توسعه طلبانه اسرائیل بردانند. عضویت اسرائیل از سازمان ملل باید لغو شده و شورای امنیت فوراً از اسرائیل آتش‌بس بی‌قید و شرط و توقف نسل‌کشی فلسطینیان را مطالبه کند. باید کمک‌های بشردوستانه بدون هیچ وقفه‌ای به غزه ارسال و امنیت نیروهای امدادی، کادر درمان و سایر نهادهای بین‌المللی فعال در غزه نیز تضمین شود. پاکستان از تشکیل کشور مستقل فلسطین مطابق با مرزهای قبل از ۱۹۴۷ به پایتختی قدس شریف حمایت می‌کند و همزمان باید اسرائیل را به دلیل جنایاتش پاسخگو کرد.

▼ باید با موضع یکپارچه در سازمان ملل شرکت کنیم

جوزف عون، رئیس‌جمهوری لبنان گفت: تجاوز به هر یک از برادران ما، تجاوز به ما قلمداد می‌شود. آن چیزی که در حقیقت در تجاوز به دوحه، هدف قرار گرفت، مفهوم میانجیگری و اصل راه‌حل گفت‌وگو بود. ما برای اساس اصل صلح عربی حاضر به صلح هستیم. باید با یک موضع یکپارچه در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل شرکت کنیم.»

▼ جامعه بین‌المللی اسرائیل را بازخواست کند

محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین اظهار داشت: «تجاوز اسرائیل به قطر را به شدت محکوم کرده و از جامعه بین‌المللی می‌خواهیم اسرائیل را بازخواست کنند. تعرض به هر کشور عربی یا اسلامی، تعرض به امنیت مشترک ماست. باید اقدامات عملی برای جلوگیری از تکرار تجاوزات اسرائیل انجام شود. دولت افراطی در اسرائیل نمی‌تواند شریکی برای امنیت در منطقه ما باشد.»

▼ باید روابط تجاری و دیپلماتیک با اسرائیل را قطع کرد

انور ابراهیم، نخست‌وزیر مالزی نیز در سخنانی، ضمن محکومیت شدید تجاوز رژیم تل‌آویو به دوحه گفت: باید به شجاعت لازم برای اتخاذ موضع عملی در برابر تجاوزات مستمر اسرائیل آراسته شد. محکومیت هرگز تجاوزات را متوقف و فلسطین را آزاد نخواهد کرد، بلکه باید تحریم‌هایی را علیه اسرائیل اعمال کرد. «او همچنین تأکید کرد که روابط تجاری و دیپلماتیک با اسرائیل باید قطع شود.

▼ لزوم موضع‌گیری قاطع در برابر اسرائیل

حسین ابراهیم طاه، دبیرکل سازمان همکاری اسلامی نیز گفت: «این نشست برای اتخاذ موضع یکپارچه و قاطعانه در برابر تجاوز وحشیانه اسرائیل، نشست مناسبی است. ما این تجاوز آشکار به کشور قطر و حاکمیت و تمامیت ارضی آن را به شدت محکوم می‌کنیم. از شورای امنیت سازمان ملل می‌خواهیم به مسئولیت خود برای بازخواست اسرائیل به خاطر جنایاتش عمل کند.»

▼ جنایتکاران جنگی را تعقیب کنید

احمد ابو الغیط، دبیر کل اتحادیه عرب نیز تأکید کرد: «تجاوز اسرائیل علیه قطر عبور از همه مرزها بود، این اجلاس نه تنها برای همبستگی با قطر بلکه ارسال این پیام به جامعه بین‌المللی است که باید به سکوت خود در برابر رفتارهای رژیم باغی که منطقه را شعله‌ور می‌کند، پایان دهند.» او گفت: «حمله به غیرنظامیان، مذاکره‌کنندگان و میانجی‌گران شجاعت نیست بلکه اقدامی بزدلانه و پست است، ما از همه کسانی که دارای وجدان همبستگی هستند می‌خواهیم تا جنایتکاران جنگی متهم به نسل‌کشی در غزه و ناقضان حاکمیت کشورها را تحت تعقیب قرار دهند.»

▼ سوریه کنار قطر ایستاده است

احمد الشرع، رئیس‌جمهور موقت سوریه نیز در اظهارات در این نشست گفت: «تجاوز اسرائیل به غزه ادامه دارد و این رژیم ۹ ماه است که به تجاوز خود علیه سوریه ادامه می‌دهد. ما در کنار دولت قطر در برابر تجاوز وحشیانه اسرائیل ایستاده‌ایم. این یک اتفاق نادر تاریخی است که یک مذاکره‌کننده کشته شود و بی‌سابقه است که یک میانجی هدف قرار گیرد. هیچ ملتی بدون اتحاد قدرتش افزایش نمی‌یابد و هیچ ملتی بدون تفرقه دچار ضعف نمی‌شود. من، به همراه تمام مردم جمهوری عربی سوریه، از روی وفاداری به قطر و عدالت موضع آن، در کنار برادرانمان در این کشور می‌ایستیم.»

عکس نوشت

مغناطیس غربی

درباره عکسی از خشکی ارومیه

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

وقتی برای اولین بار می‌خواندم که «هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم» معنای دقیقش را درک نمی‌کردم. سال‌ها گذشت و کم‌کم به عمق جمله‌ای که خوانده بودم رسیدم. از یک جایی به بعد فهمیدم که آب بالاتر از همه این‌ها یک خاصیت ملموس دیگر هم دارد. آن خاصیت چیزی جز رفع دلتنگی نیست. کمی که عقل‌رس‌تر شدم فهمیدم این خاصیت در رودخانه، آبشار، دریاچه و دریا و... ملموس‌تر از چیزی بود که در تصور می‌گنجید. اولین مواجهه‌ام با این پدیده وقتی بود که غم‌های روی دل پسر پانزده‌ساله‌ای به دست آب جوی خیابان ولی‌عصر شسته شد و جایش را به نشاطی دل‌انگیز در یک عصر پاییزی داد. حالا فکر کنید که روزی گذرتان به خزر، خلیج فارس، کارون، زاینده‌رود، ارومیه، نیل، فرات، اقیانوس فلان و دریای بهمان یا... بیفتد. از من سینه سوخته این کاره بشنوید که اگر با لشکر غم به آب بزنید، همین که به ساحل برسید دلتنگی‌تان علاج می‌شود.

هفته پیش بود که عکسی ماهواره‌ای از دریاچه ارومیه با تیتراژ «دریاچه ارومیه به طور کامل محو شد» سر و صدای زیادی به پا کرد. واقعیت این بود که با نگاه به عکس ناسا حقیقت تلخ آنقدر که باید و شاید خودی نشان نمی‌داد. دیروز اما خبرگزاری ایرنا مجموعه عکسی از این فاجعه منتشر کرد که حقیقت تلخ را دودستی توی صورتم کوبید. در مواجهه با عکس پایین صفحه کاری به اکوسیستم، فاجعه زیست محیطی و بلای آسمانی و... ندارم. بعد از نگاه کردن به عکس به این فکر می‌کنم که من بعد مردم این شهر درد دل‌شان را به کجا می‌برند؟



عکس: علی حامد حقدوست-ایرنا